

امروز هیئتی از چین وارد تهران می‌شود، دو کشور برای آسیب ندیدن از دشمن مشترک ایده‌ای دارند؟

پرونده ایران و چین در دولت ترامپ



زهرا طیبی

خبرنگار گروه شد روز

رئیس‌جمهور آمریکا هنوز نامیده ن‌شده
تهدید را روی میز گذاشت، این طور که به نظر می‌رسد ترامپ ۲۰۱۶ با نارتامپ ۲۰۲۴ تفاوت چندانی نکرده است، بیشتر از دوام تا آمدن رئیس‌جمهور آمریکا به کاخ سفید باقی مانده اما او گفت که اگر تا ۲۰ تا ژانویه اسرا آزاد نشوند، خاورمیانه را به آتش می‌کشد. نگاهی به کابینه اوو چهره‌هایی که مواضع تندری علیه ایران دارند هم این گزاره را تقویت می‌کند که احتمالاًسیاست ترامپ در مواجهه با ایران، بر همان فرمان سابق حرکت خواهد کرد. نکته دیگر آنکه مهار شریک اول تجاری و بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران، یعنی چین یکی از دغدغه‌های اصلی نارتامپ خواهد بود. این سیاست ترامپ می‌تواند فرصت خوبی را در اختیار ایران قرار دهد که سفارهای اقتصادی را مدیریت کند. کمالاینکه پیش‌از این هم، چین، بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران بوده است. اما آنچه در این بین کمتر مورد توجه قرار گرفته این است که عمده قراردادهای معاهداتی که میان ایران و چین امضا شده، تنها روی کاغذ باقی مانده‌اند و آن‌طور که باید اجرایی نشدند. ضرورت عملیاتی کردن این معاهدات و همکاری‌ها و عملیاتی کردن آن‌ها این روزها با توجه به روی کارآمدن یک تهدید مشترک برای ایران و چین بیش از اندازه احساس می‌شود، سفر معاون وزیر خارجه چین به ایران رمی توان فرصت مناسبی برای گام برداشتن دولت برای تقویت روابط اقتصادی دانست. برای بررسی روابط ایران و چین بعد از روی کارآمدن ترامپ و آنچه در روابط دوجانبه باید مورد توجه قرار گیرد با علی فکری معاون وزیر اقتصاد دولت سیزدهم، حامد وفاپی کارشناس مسائل چین و مجید شاکری کارشناس مسائل اقتصادی گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

■ ■ ■

■ **مجید شاکری:**

همکاری راهبردی از قدم‌های کوچک شروع می‌شود

شاکری در ابتدا اشاره کرد که در دو سطح می‌شود به روابط ایران و چین نگاه کرد، وی گفت: «یک سطح روابط ژئوپلیتیک است، یک سطح اقتصادی است. در سطح ژئوپلیتیک، برنامه ترامپ برای کنترل تنش‌ها در اوکراین بدون اینکه به معنی بازگشت اوکراین به گذشته باشد به نفع مشارکت روسیه در برنامه مهار چین است. روس‌ها با کمک چین نتوانستند در طول جنگ اوکراین به لحاظ اقتصادی تاب‌آوری قابل توجهی به دست آورند به طوری که از ۱۴۰ میلیارد دلار واردات روسیه در سال ۲۰۲۳، ۱۱۱ میلیارد دلار از چین بوده است. طرفین موفق شدند نمونه‌ای از روابط تجاری دوجانبه خارج از دسترس‌سی و ترانزیتی تحریم‌های آمریکایی ایجاد کنند. اما از طرف دیگر روس‌ها تصور می‌کنند که حضور ترامپ و روابط ویژه پوتین با او می‌تواند به روسیه کمک کند تا وابستگی خود به چین را کاهش دهد. نمایشی از این موضوع در آذر ۱۴۰۱، در مذاکرات بین پایدن و روس‌ها انجام شد که شامل تلاش برای دادن معافیت صادرات نفت انرژی روسیه به اروپای شرقی بود که به‌طور غیرمنتظره دست روس‌ها را در برابر چین‌ها باز کرد. چین‌ها امروز بیش از هر زمانی نسبت به عدم اطمینان در جریان انرژی حساسند زیرا به اهداف رشد خود برای سال ۲۰۲۴ نرسیدند و نخواهند رسید. در آذر ۱۴۰۱ برنامه چینی‌ها این بود واردات نفت خود را از ایران افزایش دهند که هنوز هم این موضوع کاری می‌کند، هنوز مهم‌ترین کارت چینی‌ها در جعبه ابزاری که در مقابل نزدیکی مجدد روسیه و آمریکا دارند، افزایش واردات نفت از ایران است.»

چین باید الگوی تجاری خود را تغییر دهد

ترامپ مستقیماً جنگ تجاری خود را با چین‌ها شروع کرده، موضوعی که شاکری به آن اشاره کرد و گفت که چین نیاز به تغییر الگوی تجاری خود دارد. وی افزود: «یک سمت دیگر این موضوع این است که ترامپ مستقیماً در جنگ تجاری خود به‌صورت مختلف از چین شروع کرده است. در تهدید برای افزایش تعرفه‌ها گفته بود که تعرفه ۶۰ درصد برای چین و ۲۰ درصد را برای کشورهای دیگر می‌خواهد اعمال کند. در اولین حمله خود نیز کانادا، مکزیک و چین را هدف قرار داده است. واکنش چین به این تهدید متفاوت از واکنش کانادا و مکزیک بود؛ درحالی‌که میان کانادا و مکزیک موضوع به‌گفت‌وگویی رئیس‌جمهور مکزیک و نخست‌وزیر کانادا با ترامپ کشیده شده است. واکنش چینی‌ها تا این لحظه تجاری بوده است و اینکه تا حد ممکن همه محصولات خود را قبل از اجرایی شدن تعرفه جدید به آمریکا صادر کنند که قبل از تغییر نتوانند محصولات خود را داخل خاک آمریکا داشته باشند، ترامپ برای افزایش نرخ تعرفه نیازی به تصویب کنگره ندارد و حداقل از سه مسیر قانونی می‌تواند دستور العمل اجرایی صادر کند که منجر به افزایش تعرفه چین در اعداد باورنکردنی شود. پس در این شرایط چینی‌ها نیاز به تغییر الگوی تجاری دارند و ایران اگر برنامه توسعه صنعتی خود را متناسب با این نیاز تنظیم کند از این تغییرات منتعم می‌شود.»

ناترازی ایران و چین در نگاه به اقتصاد و امنیت

مانع از شکل‌گیری همکاری مشترک است

شاکری معتقد است مشکلاتی که در طراحی بسته اقتصادی ایران و بسته امنیتی چین وجود دارد باعث شده ایران و چین نتوانند از تغییرات بهره‌برداري کنند، وی گفت: «علی‌رغم این‌هم سرزنش بودن ایران و چین-به‌رغم اینکه

■ ■ ■

کلاف بنزینی



زهرا طیبی

خبرنگار گروه شد روز

اختلاف بر سر یک کلمه؛ این جمله‌ای بود که روز گذشته رئیس کمیسیون تلفیق در مورد رفت و برگشت‌های بنزینی دولت و مجلس مطرح کرد. بربنیای آنچه در فضای مجازی به نقل از یکی از نمایندگان مجلس منتشر شده بود، گفته می‌شد مجلس به واردات بنزین در ۱۴۰۴ ارز اختصاص نخواهد داد. موضوعی که پای آن به گفت‌وگوی تلویزیونی رئیس‌جمهور هم باز شد و پزشکیان در واکنش گفت اگر ارزش اختصاص ندهد یعنی باید بنزین را گران کرد. صحبت‌های رئیس‌جمهور، جنجال تازه‌ای در مجلس به راه انداخت و بعد از حاشیه‌هایی که در فضای مجازی در مورد این ممنوعیت به راه افتاد، مجلسی‌ها صراحتاً اعلام کردند که نمی‌توان محدودیتی برای واردات بنزین به دولت اعمال کرد و بهارستان‌ها نیز محدودیتی برای واردات اعمال نکردند. ماجرا اما رفت و برگشت‌هایی میان دولت و مجلس به وجود آورد و صحبت‌های رئیس‌جمهور هم این گزاره را تقویت کرد که دولت به دنبال این است تا در ماجرای گرانی بنزین، توپ را به زمین مجلس بیندازد.

هیچ کشوری به اندازه ایران و چین مانع‌شان در چهارچوب یکدیگر نبوده است.اما این مانع شده چنین چیزی را ببینیم، از یک طرف ایران از طراحی بسته اقتصادی مناسب برای چین ناتوان است و در طرف مقابل، چینی‌ها نیز در طراحی بسته امنیتی مورد نظر ایران ناتوانند. این به این خاطر است که ما عموماً دنیا را از منظر متفاوت نگاه می‌کنیم، چینی‌ها هنوز با جزئیات امنیتی خاورمیانه آشنا نیستند، هنوز تصور می‌کنند می‌توانند روی ایجاد تعادل در اجزای مختلف خاورمیانه حساب کنند بدون اینکه انتخاب کنند که در پرونده‌های مختلف خاورمیانه، نگاه آنها درست نیست، از طرفی ایرانی‌ها نیز فکر می‌کنند، می‌توانند در پرونده‌های اقتصادی متفاوت دوام بیاورند، بدون اینکه در پرونده آمریکا و چین انتخاب کنند با دست فرمان توازن جلو می‌روند چون همین الان این توازن به نفع طرف آمریکایی است و آمریکایی‌ها بر اجزای مختلف صادرات نفت ایران و واردات ایران در حوزه کالای اساسی سبیطره دارند، عملاً ایران دچار ناهمخوانی منافع تجاری با منافع امنیتی شده است، یعنی از یک طرف، به لحاظ اقتصادی وابستگی به آمریکا دارد درحالی‌که از نظر امنیتی تفاوت‌های مهمی با اهداف آمریکا در منطقه دارد. این دو ناترازی در نوع نگاه چینی‌ها به امنیت و نگاه ایران به اقتصاد منجر شده طرفین نتوانند همکاری ایجاد کنند. نمی‌دانم در نهایت خروجی سفر هیئت چینی به ایران تا چه حد خوب یا بد خواهد بود اما نکته این است که در حال حاضر در لحظات بسیار حساسی هم برای پرونده روابط طرفین، هم برای روابط چین با آمریکا و هم برای روابط ایران با آمریکا قرار داریم.»

همکاری راهبردی از قدم‌های کوچک شروع می‌شود

شاکری در ادامه به این موضوع اشاره کرد مشکل اصلی در روابط ایران و چین این است که همکاری راهبردی از تعارفات سیاسی بالاتر نرفته، وی تصریح کرد: «وقتی چینی‌ها با کشوری دارای چشم‌انداز مثل عربستان وارد گفت‌وگو می‌شوند در واقع چین (bri) وارد عربستان ۲۰۲۰ وارد گفت‌وگو می‌شود و می‌گوید: «ما این همکاری را در دوره‌های ۵ تا ۱۵ ساله تعریف می‌کنیم و اگر موفقیت‌آمیز بود، به مرحله بعد می‌رویم.» اما چیزی که ما در تهران درک نمی‌کنیم این است که همکاری‌های راهبردی از قدم‌های کوچک شروع می‌شود. ناکامی دائمی تهران در ساختن قدم‌های کوچک باعث می‌شود که همکاری راهبردی هیچ‌گاه از حد تعارفات سیاسی بالاتر نرود. اینکه قدم‌های کوچک در پرونده روابط چین و دو کشور چیست و چه چیزهایی در همه این سال‌ها باقی و معطل مانده، تقریباً برای همه طرف‌های درگیر واضح است، اما اینکه آیا تهران تصمیم دارد آن تناقضاتی را که در روابط خود با چین در دوره‌های روحانی و شهید رئیسی داشته و چینی‌ها را صرفاً به عنوان وسیله‌ای برای صادرات مواد خام و واردات کالاهای مصرفی یا حداکثر کالاهای سرمایه‌رده پایین تعریف کرده، بانه باید دید آیا ایرانی‌ها حاضرند از این گام جلوتر بروند یا نه؟ آینده این‌را به ما نشان می‌دهد.» شاکری درمورد اینکه چقدر ایران برای چین بازیگر کلیدی است هم گفت: «ما کلید هستیم اما در دست کسی نیستیم و خودمان باید تصمیم بگیریم که آیا تصمیم داریم این نقش را نه به معنای اینکه قدم‌های کوچک بودن بلکه به معنی انتخاب کردن در پرونده چین و آمریکا انتخاب کنیم. آن وقت می‌شود درباره آینده صحبت کرد.»

■ **حامد وفاپی:**

اگر روابط ایران و چین از سطح روزمره به بلندمدت تبدیل شود، فشار کشور ثالث تأثیرگذار نخواهد بود

مشکل اصلی و چالشی که در روابط ایران و چین وجود دارد، راهبردی نبودن روابط است، وفاپی در این مورد گفت: «رابطه ایران و چین یکی از مسائل بسیار مهم درسمال‌های اخیر بوده که نیازمند بررسی دقیق‌از جنبه‌های مختلف است. با توجه به ظرفیت‌های گسترده موجود در این روابط و چشم‌انداز روشنی که رهبران دو کشور برای آینده ترسیم کرده‌اند این موضوع به کار کارشناسی زیادی نیاز دارد تا ابعاد جدیدی به این روابط اضافه شده و زمینه رشد بیشتر فراهم شود. چهارچوبی که رهبران ایران و چین برای همکاری‌های دو جانبه تعیین کرده‌اند با توجه به ظرفیت‌ها و انتظارات دو کشور مشارکت جامع راهبردی است. این چهارچوب سه ضلع دارد ؛ (روابط مشارکتی؛ به معنای عدم وجود رقابت و مکمل بودن روابط دو کشور ۲. روابط جامع؛ شامل تمامی حوزه‌های همکاری ۳. روابط راهبردی؛ که مهم‌ترین بعد این چهارچوب است.

مشکل اصلی در روابط فعلی ایران و چین راهبردی نبودن این روابط است، علی‌رغم تأکید رهبران و تمایل دو طرف. این مسئله باید از سوی دولت کنونی ایران (دولت آقای پزشکیان) به صورت جدی آسیب‌شناسی و رفع شود. طی سال‌های اخیر چین روابط خود را با سایر کشورهای منطقه از سطح تعاملات تجاری صرف به همکاری‌های عمیق‌تر ارتقا داده است و از سطح سابق روابط خرید و فروشی و اینکه گزینه‌ای خرید و فروخته شود، فراتر رفته و عملی‌تر شده است. این مدلی است که ایران نیز به شدت به آن نیاز دارد.»

روابط دوکشور باید از سطح روزمره به راهبردی تبدیل شود

وفاپی اشاره‌ای هم به سفر معاون نخست‌وزیر چین به ایران کرد و گفت: «سفر اخیر معاون نخست‌وزیر چین به ایران، عمدتاً از نوع سفرهای روتین است که تفاوت ندارد چه دولتی در چه کشوری سرکار باشد. آنچه همزمان

دو کشور برای آسیب ندیدن از دشمن مشترک ایده‌ای دارند؟

دولت ترامپ

با سفرهای روتین اهمیت دارد تلاش برای تغییر ریل روابط ایران و چین از حالت تعاملات خریدوفروش مآبانه به ریل روابط راهبردی است، این موضوع مهم‌ترین نیاز دو کشور است. برای تحقق این تغییر جهت و محقق شدن روابط حقیقی با نیازهای روز دوکشور و انتظارات دوکشور، توجه به دو عنصر نیاز است: ۱. شناخت متقابل ۲. اعتماد دوجانبه. اگر این اعتماد متقابل میان ایران و چین شکل گیرد، یعنی چین نگرانی نداشته باشد که ایران در صورت تغییر سیاست یا توافق با دیگر کشورها، ما را کنار بگذارد و از طرف دیگر، ایران نیز اطمینان داشته باشد که چین در تعاملات خود ثابت‌قدم است. این اعتماد که بر مبنای شناخت متقابل استوار است در نتیجه آن روابط دو کشور را از حالت روزمره به سطح راهبردی ارتقا داده و می‌توان انتظار داشت که افق‌های جدیدی را برپای همکاری باز کند. در غیر این صورت، سفرهای مقامات دو کشور در همان سطح روتین باقی خواهد ماند. اگر اعتماد که مهم‌ترین مبنای آن شناخت است در روابط شکل بگیرد و روابط روزمره وارد ریل راهبردی شود، می‌توان انتظار داشت که چشم‌انداز جدید در روابط دوکشور ایجاد کند. مهم‌ترین نیاز این دو کشور، راهبردی‌سازی روابط، مهم‌ترین خلأ موجود در روابط کنونی است.»

ترامپ مشخصاً به این موضوع اشاره کرده که به دنبال مهار چین است، امری که این سوال را ایجاد می‌کند آیا این سیاست می‌تواند بر روابط دوکشور تأثیر بگذارد، وفاپی در این مورد و تأثیر آن بر روابط دوکشور، توضیح داد: «درمورد نقش آمریکا باید گفت در دوره‌های مختلف شاهد تأثیرگذاری کشورهای ثالث بر روابط ایران و چین بوده‌ایم. دلیل این تأثیرگذاری نیز همان راهبردی نبودن روابط است، زمانی‌که با کشوری روابط راهبردی با ماهیتی بلندمدت دارید، نگرانی از تأثیرگذاری عوامل خارجی بر روابط شما وجود ندارد، این نشان می‌دهد روابط تا الان راهبردی نبوده است اما اگر همکاری ایران و چین به سطح راهبردی برسد نگرانی در این مورد وجود نخواهد داشت. این‌را می‌پذیریم که تشدید تحریم‌ها و رویکرد ضدایرانی ترامپ بر روابط تأثیرگذار خواهد بود اما این اثرگذاری به جهت راهبردی نبودن روابط اتفاق افتاده است.»

راهبردی شدن روابط دوطرف، تفاهم‌نامه ۲۵ ساله را

به اجرایی شدن نزدیک‌تر می‌کند

کلید موفقیت‌آمیز بودن تفاهم‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین هم حرکت روابط دوکشور به سمت راهبردی شدن است، وفاپی به میزان موفقیت تفاهم‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین هم اشاره کرد و افزود: «تفاهم‌نامه ۲۵ ساله چین، تفاهم‌نامه یا نقشه‌راهی میان ایران و چین با هدف راهبردی شدن روابط دو کشور تدوین شد. لازمه راهبردی شدن روابط این است که برنامه‌ای بلندمدت برای مناسبات دو کشور داشته باشیم، براساس همین نیازسنجی، برنامه ۲۵ ساله تنظیم شد اما متأسفانه این برنامه در حد حرف و روی کاغذ باقی ماند و عملیاتی نشده است. علت آن هم این است تا زمانی‌که روابط بر پایه بلندمدت و راهبردی بنا نشود، نمی‌توان انتظار تغییرات داشت. بدون شک این برنامه ۲۵ ساله می‌تواند گزینه مناسبی باشد به شرطی‌که عملیاتی باشد و براساس نیازها و ظرفیت‌های دو کشور به‌روزرسانی شود. برنامه‌ای که هفت یا هشت سال پیش تدوین شده و خیلی هم به آن عمل نشده است، چندان امیدوی به آن نیست. اما اگر ریل روابط از حالت عادی و روزمره به روابط راهبردی تغییر کند، می‌توان انتظار داشت که این برنامه نیز به اجرایی شدن نزدیک‌تر شود.»

اگر روابط ایران و چین استراتژیک باشد تغییرات سیاسی

در آمریکا به آن ضربه نمی‌زند

وفاپی درمورد اینکه چقدر احتمال دارد همانند دوره اول ترامپ روابط تجاری چین با ایران محدود شود، گفت: «برخلاف آنچه تصور می‌شود در دوره اول ترامپ، روابط چین با ایران بهبود یافت. ممکن است در خرید و فروش یکی دو شرکت چینی، محدودیتی ایجاد شده باشد اما خرید نفت چین از ایران چندبرابر شد. این خود پیام مهمی برای نظام بین‌الملل و روابط ایران و چین داشت. اما در کل باز هم تأکید می‌کنم که اگر روابط ایران و چین بر مبنای خرید و فروش مقطعی باشد، در شرایط فشار ممکن است فروشنده از ادامه همکاری خودداری کند. اما در صورت گسترش روابط به سطح عمیق‌تر و راهبردی دیگر چنین مشکلی پیش نخواهد آمد. یک رابطه راهبردی به‌گونه‌ای است که طرف ثالث، چه ترامپ باشد چه فرد دیگری نمی‌تواند به آن آسیب برساند. با این نگاه ایران و چین می‌توانند روابط خود را به سطحی برسانند که حضور یک فرد در کشوری ثالث نتواند بر آن اثرگذار باشد. البته تحریم‌ها نیز از ابتدا برای ضربه زدن به روابط ایران با کشورهای دوست طراحی شده‌اند و تا حدی هم موفق بوده‌اند. این تحریم‌ها روابط را محدود کرده و به مرادفات بانکی آسیب زده‌اند اما مشکل اینجاست که مادر مواجهه با تحریم‌ها نیز در دنبال راه‌حل‌های مقطعی بوده‌ایم، مثلاً این که قطور می‌توانیم کالای خاصی را تحت تحریم بخریم. درحالی‌که باید به جای پرداختن به روابط سطحی، به دنبال ایجاد روابط عمیق و استراتژیک باشیم. روابط سطحی به‌راحتی آسیب‌پذیرند اما روابط عمیق و راهبردی مثل روابط آمریکا و اسرائیل به‌سختی دچار آسیب می‌شوند حتی با

■ **چرا رئیس‌جمهور خبر نداشت؟**

واکنش رئیس‌جمهور به ممنوعیت اختصاص ارز به دولت نشان داد که او نیز از جزئیات این خبر بی‌خبر بوده است. اگر این گزاره صحیح باشد، برداشت افکار عمومی می‌تواند به ناماهنگی میان

وجود تحولات در رژیم صهیونیستی اصل روابط آن‌ها با آمریکا محفوظ مانده است زیرا نگاه آن‌ها به یکدیگر استراتژیک و بلندمدت است. اگر ایران و چین نیز به این نوع رابطه برسند می‌توان مطمئن بود که تغییرات سیاسی در آمریکا به این روابط آسیب جدی وارد نمی‌کند. ایران از فرصت دیدارها که عمدتاً روتین و از قبل برنامه‌ریزی شده‌اند، استفاده کند. با برنامه‌ریزی دقیق و ارائه بسته‌های مشخص برای راهبردی‌سازی روابط، می‌توان روابط ایران و چین را به سطح جدیدی ارتقا داد. این همان چیزی است که رهبران دو کشور بر آن تأکید دارند. اگر این تغییر اتفاق بیفتد، منافع دو کشور تأمین خواهد شد و مشارکت جامع راهبردی که مورد توافق دو طرف است، به نتیجه خواهد رسید.»

■ **علی فکری: نیاز به تغییرات تاکتیکی**

با توجه به شرایط جدید در روابط دوجانبه دریم

فکری درمورد محورهای رابطه اقتصادی ایران و چین گفت: «مهم‌ترین موضوع در روابط ایران و چین به حوزه روابط اقتصادی برمی‌گردد. باید بتوانیم همکاری‌هایمان را در پروژه‌ها و برنامه‌های مختلف با شرکت‌ها و مجموعه‌های چینی توسعه دهیم. این همکاری‌ها می‌تواند در حوزه‌هایی مانند ترانزیت، سرمایه‌گذاری و پروژه‌های زیرساختی خلیج فارس در بندرعباس که پیش‌تر نیز مورد بحث بوده، متمرکز شود. همچنین در حوزه انرژی، و ویژه انرژی‌های تجدیدپذیر، چین توانمندی‌های بالایی دارد و ما می‌توانیم جذب سرمایه از این کشورها در حوزه‌های مختلف داشته باشیم. در سال‌های اخیر، چینی‌ها به دومین سرمایه‌گذار بزرگ خارجی در ایران بعد از روسیه تبدیل شده‌اند و عمده سرمایه‌گذاری‌های آنها در حوزه‌های معدنی و صنعتی بوده است. این سرمایه‌گذاری‌ها به‌نوعی روابط کریدوری را بین ایران و کشورهای منطقه ایجاد کرده است.» همکاری‌های کریدوری محوری است که می‌تواند در روابط ایران و چین مورد توجه باشد، فکری در این رابطه گفت: «معمولاً روابط ایران و چین را بر اساس منافع دوجانبه و با در نظر گرفتن ملاحظات بیرونی تنظیم می‌کردند. همواره تلاش شده است مدلی برای تنظیم روابط ایجاد شود که کمترین هزینه را برای طرفین داشته باشد. در حال حاضر نیز همین منطق حاکم است و دو کشور تجربه قبلی حضور ترامپ را دارند و می‌توانند راحت‌تر روابطشان را تنظیم کنند. چینی‌ها در آمریکا چینی‌ها را به عنوان مهم‌ترین تهدید خود معرفی کرده و با ایران نیز موضوعاتی دارد. بنابراین می‌توان از طریق همکاری در حوزه‌هایی مانند «کمرند راه چین یا برنامه توسعه‌ای ایران مثل برنامه هفتم توسعه که در ایران نهایی شده و دستورکار دولت است، نقاط اشتراک این دو برنامه یعنی برنامه مرتبط با کمرند راه و ابتکارات سه‌گانه رئیس‌جمهور چین با برنامه هفتم، نقاط اشتراک را تقویت کنیم و این شدنی هم است. در این زمان فرصت بهتری هم برای انجام این دست از برنامه‌ها وجود دارد.»

چین باید خود را با شرایط جدید وفق دهد

فکری درمورد اینکه چقدر روی کار آمدن ترامپ می‌تواند بر روابط دوطرف سایه بیندازد نیز گفت: «وقتی تغییراتی در آمریکا و فضای بین‌المللی ایجاد می‌شود دو کشور باید برنامه و ملاحظات جدیدی را بر روابط خودشان حاکم کنند، نمی‌شود همان روابطی که از گذشته حاکم بوده، ادامه پیدا کند، ممکن است نیاز باشد با توجه به تغییراتی که طرف مقابل انجام می‌دهد، ما تغییراتی را انجام دهیم. در زمان دولت اول ترامپ مقداری تعلل ایجاد شد. فشارهایی آمد و طبیعتاً رابطه را تحت تأثیر قرار داد. دو طرف باید سعی کنند در چنین شرایطی به سرعت خود را با شرایط جدید وفق دهند، اراده حفظ و توسعه روابط بین طرفین وجود دارد، چیزی که مهم است این است که باید با تغییر شرایط بیرونی به سرعت خود را شرایط جدید منطبق کنند. برای مثال، اگر قبلاًنفت ایران به بندری مشخص صادر می‌شد، ممکن است نیاز باشد بندر جدیدی جایگزین شود. همچنین قراردادهای موجود ممکن است با بازیگران جدید جایگزین شوند. این تغییرات که بیشتر تاکتیکی‌اند باید با سرعت انجام شوند تا وقته‌ای در روابط دوجانبه ایجاد نشود.»

باید خودمان را برای تغییرات تاکتیکی آماده کنیم

فکری درمورد اینکه چقدر تحولات منطقه بر روابط تجاری ایران و چین تأثیرگذار خواهد بود نیز توضیح داد: «ممکن است سطح تنش‌ها و اصطکاکات منطقه بالا رفته باشد، اما این واقعیت از قبل وجود داشته است؛ یعنی چیزی نبوده که به‌صورت ناگهانی در منطقه شاهدش باشیم. این تقابل‌ها بین طرفین از گذشته وجود داشته و در منطقه غرب آسیا و رژیم صهیونیستی، مدت‌هاست که اقدامات متعددی هم در غزه و هم در لبنان انجام می‌شود. از طرفی تکفیری‌هایی که در سوریه حضور دارند نیز از گذشته در این منطقه بوده‌اند. بنابراین موضوعی جدید و ناگهانی اتفاق نیفتاده که بگوییم طرفین پیش‌بینی‌های لازم را درمورد آن نداشته‌اند. به همین دلیل، فکر نمی‌کنم تأثیر جدی بر روابط بگذارد. البته، تأکید می‌کنم که ما همیشه باید خودمان را برای تغییرات تاکتیکی احتمالی آماده کنیم. حتماً دوستانی که در دولت هستند نیز در این مورد در حال فکر و برنامه‌ریزی‌اند.»

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

دولت و مجلس با عدم اطلاع‌رسانی مجلس به دولت منجر شود؛ هر دو حالت برای هیچ‌یک از قوا مثبت نیست. همچنین این موضوع نشان دهنده تلاش دولت برای گران کردن بنزین با دخالت مجلس نیز هست، حال آنکه با وجود بررسی لایحه توسط مجلس، این امر در اختیار دولت است.

■ **حاشیه‌سازی، سم مهلک وفاق**

صحن بهارستان روز گذشته به همین دلیل حاشیه‌هایی را تجربه کرد و برخی نمایندگان به صحبت‌های رئیس‌جمهور انتقاد کردند. برخی نمایندگان اد‌عا کردند که رئیس‌جمهور از جزئیات اصلاح لایحه بی‌خبر بوده و یکی از نمایندگان نیز گفت که او صداقت و صراحت نداشته است. ناماهنگی‌های پیش‌آمده در شرایطی که مجلس و دولت تلاش کردند فضای وفاق میان دو قوه را تقویت کنند، صائب‌گر مثبتی ایجاد نمی‌کند. ورود این حاشیه‌ها به فضای رسانه‌ای، علاوه بر اینکه همکاری دولت و مجلس را تحت تأثیر قرار می‌دهد، پیام مثبتی به افکار عمومی منتقل نمی‌کند. بهتر است دو قوه در واکنش رسانه‌ای به مسائل معیشتی مردم دقت بیشتری داشته باشند.

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

فرهنگ‌نویسان

فرهنگ‌نویسان

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■